

نژادپرستی صلح را تهدید می‌کند

برگردان: پرویز شهریاری

این متن مصاحبه‌ای است که مجله‌ی «زن در سراسر جهان» ارگان «فدراسیون دموکراتیک جهانی زنان» با «آنجلادییویس» رهبر «شورای ملی مبارزه با نژادپرستی و سرکوب سیاسی» در آمریکا انجام داده است.

□ آنجلا، شما رهبر شورای ملی مبارزه با نژادپرستی و سرکوب سیاسی هستید. سازمان شما در برابر وضعیت جدی در ایالت‌های متحد آمریکا چه عکس‌العملی نشان می‌دهد؟

آنجلادییویس: شورای ملی مبارزه با نژادپرستی و سرکوب سیاسی، به محض آزادی من در سال ۱۹۷۳ میلادی تشکیل شد. ما پی بردیم که نژادپرستی و خشونت در ایالت‌های متحد آمریکا رو به افزایش است و احتمال دارد تعداد زندانیان سیاسی در کشورمان افزایش یابد، ما این شورا را به‌منظور ایجاد یک جنبش فعال به‌وجود آوردیم. تا هر زمان که حالت تازه‌ای پیش آید، ناچار نباشیم کمیته‌ی جداگانه‌ای تشکیل دهیم: سازمان ما و سازمان‌ها و کسان علاقه‌مند را دور این مساله به‌طور گسترده‌ای پیوند می‌دهد. ما شهرهای بیرمنگام و آلانابا را به‌این دلیل که دژ اجدادی «کوکلوس کلان» است، عنوان جایی مناسب انتخاب کردیم.

یکی از وظیفه‌های ما محروم کردن «کوکلوس کلان» از حقوق قانونی است. بنابراین باید کوکلوس غیرقانونی شود. یکی از بهترین شعارهای شورای ما همین بود. در جریان سال‌های گذشته کوکلوس کلان، میدان عمل گسترده‌ای یافته است. اما ما یلم خاطر نشان کنیم، کوکلوس کلان به‌عنوان یک سازمان تروریستی بار دیگر به‌صورت خودبه‌خودی پدیدار نشده است، بلکه به‌وسیله‌ی سیاست انحصارها و محفل‌های امپریالیستی تجاوز کار جامعه‌ی ما تقویت می‌شود چرا؟ زیرا آن‌ها بیش از گذشته در جست و جوی برانگیختن اختلاف نژادی هستند تا جامعه‌ی چند ملیتی ما را مطیع خود کنند، آن‌ها از جمله القا می‌کنند که از دست دادن کار کارگران سفید پوست به‌دلیل مبارزه‌ی سیاه‌پوستان برای برابری و یا ورود غیرقانونی مکزیکی‌ها از مرزهاست.

در جریان مبارزه‌ی انتخاباتی، نه «کارت» و نه «ریگان» بیانیه‌های مشخصی ضد کولوس کلان ندادند. هیچ کدام آن‌ها، به‌لزوم محور نژادپرستی اشاره‌ای نکردند. ریگان خاطر نشان کرد، او از نظر اخلاقی با کولوس کلان مخالف است، ولی در لغاف فهماند که از قدرت ریاست خود علیه این شیطان کولوس کلان استفاده نخواهد کرد. نمونه‌هایی موجود است: در «گریس بزرگ» واقع در کارولینای شمالی، تظاهرکنندگان در روز روشن کشته شدند. در «چاتانوگا» و «تنسی»، زنان سیاه‌پوست به گلوله بسته شدند. خانواده‌های سیاه‌پوستی که در کالیفرنیا در همسایگی سفیدپوستان زندگی می‌کردند، همراه با کودکانشان مورد حمله قرار گرفتند. کلوپ‌های شبه نظامی کولوس کلان در کالیفرنیا پدید می‌آیند. آن‌ها جوانان سفیدپوست را برای کشتن مردم بی‌گناه تعلیم می‌دهند. عضوهای کولوس کلان در دفترهای عمومی حزب دموکرات و حزب جمهوری خواه وارد شده‌اند. در آغاز، وقتی که شعار «غیرقانونی کردن کولوس کلان» را مطرح کردیم، بسیاری از مردم زیر اثر عقیده‌های سرمایه‌داری که حتا برای نژادپرستان حق آزادی بیان و آزادی تجمع قایل است، آن را نپذیرفتند. ولی اکنون عده‌ی بیش‌تری از مردم نسبت به خطر عمل‌های خشونت‌آمیز کولوس کلان آگاه می‌شوند و درباری مسالهی غیرقانونی شدن آن موافقت دارند. در این رابطه، شورای ماکه در سراسر کشور شاخه دارد، مهم‌ترین سهم را به عهده داشته است، شورا درباری کولوس کلان و نظامی که آن را به وجود آورده است، حقیقت را به مردم می‌گوید. اکنون بسیاری از مردم به دلیل فداکاری ما درباری مبارزه‌ی دوگانه‌ی ما با نژادپرستی و یا عامل‌های به وجود آورنده‌ی بحران‌هایی همچون بی‌کاری، بسته شدن موسسه‌ها، تورم و افزایش قیمت‌ها، بیش‌تر ما را می‌پذیرند. مهم‌تر از همه این که شورا به همه فهماند که مبارزه‌ی نژادپرستی برای صلح تا زمانی که درگیر نژادپرستی هستیم، نمی‌تواند وجود داشته باشد. امروز مبارزه برای صلح به این معناست که تمامی نژادهای جامعه‌ی ما را جذب کند و آن‌ها را به این امر که نیروهای نژادپرست همان‌هایی هستند که پشت افزایش تبلیغ قرار دارند، آگاه سازد.

□ آنجلا، ما می‌دانیم که زنان نقشی به‌سزا در شورا دارند، چند کلمه هم در این باره بگویید.

آنجلا دیویس: بله درست است! «شارلین میچل» دبیر اجرایی است. او یکی از بهترین سازمان‌دهان در کشور است. از آغاز مبارزاتش پنج سال می‌گذرد، او نه تنها به خاطر مقامش، بلکه به دلیل کارش مورد احترام همه است.

«آنا براون» یکی از معاون‌های انجمن ماست. او زنی سفیدپوست از جنوب است که در نهضت حقوق مدنی کار می‌کرد و در زمان «مک کارتی» در دهی پنجاه در زندان بود. شما

می‌دانید که بیوستن سفیدپوستان جنوب به مبارزه‌ی ما و حمایت از مادر مبارزه‌مان علیه نژادپرستی، بسیار مهم است.

دیگری وکیل من «مارگارت برن هام» است که در شهر بستون قاضی است.

ما در شرزا زنان را در کار بالا می‌بریم و امکان را برای شرکت دادن آن‌ها در زندگی جامعه و ایفای نقش خود پرورش می‌دهیم. آنچه موقعیت زنان را در ایالت‌های متحد آمریکا پی‌ریز می‌سازد، تحلیل ستم مضاعف است: ترکیب نژادپرستی با برتری مردان، بیش‌ترین ستم‌دیدگان، زنان کارگر رنگین پوست‌اند، آن‌ها زیر فشار سنگین اقتصادی نژادپرستی و تبعیض جنسی هستند. زنان رنگین پوست بیش‌تر بی‌کاران و فقیران را تشکیل می‌دهند. به‌جز خرج‌های نظامی، دولت ریگان، سیاست قطع بودجه‌ی موثر را دنبال می‌کند که به‌طور نامتناسبی به‌زنان لطمه می‌زند. قطع کوپن غذایی، برای مردم کم درآمد، به‌عنوان بخشی از کمک رفاهی دولت چاپ و توزیع می‌شود، به‌ویژه به‌زنان تنها که با کودکانشان زندگی می‌کنند، لطمه‌ی فراوان می‌زند.

مایلم بگویم که تهافت در ایالت‌های متحد آمریکا به‌سرعت دگرگون می‌شود. در گذشته جنبش زنان ما فمینیستی بود و به‌طور اساسی به‌محمل‌های سرمایه‌گذاری محدود می‌شد. اکنون زنان طبقه‌ی کارگر در جنبش شرکت دارند. آن‌ها مشکل می‌شوند و مسأله‌ی اصلی، یعنی مسأله‌ی صلح را بررسی می‌کنند. این مسأله در ارتباط با احضار زنان به‌ارتش اوج گرفته است. زنان علیه آن در یک جنبش توده‌ای فریاد می‌زند: «نه زنان و نه مردان نباید به‌خدمت سربازی احضار شوند». می‌بینند که هرگز در تاریخ ایالت‌های متحد آمریکا چنین چیزی ثبت نشده است. این بحث‌ها یا تجربه‌های ما در طول جنگ و پتانم پیرند خورده است. منظور از انجام خدمت نظام در آمریکا به‌معنای آن است که آن‌ها را به‌جنگ با خلق‌ها می‌کشاند که برای استقلال ملی، ضد نژادپرستی و آپارتاید مبارزه می‌کنند (خلق‌های السالوادور، نامیبیا و آفریقای جنوبی). اکنون ما برای این موضوع بسیار مهم به‌همراه «سازمان زنان برای برابری نژادی و اقتصادی» مبارزه می‌کنیم.

شمار بی‌کاران رو به‌افزایش است. بیچارگی و فقر افزایش می‌یابد. در برخی از ایالت‌ها بیش از ۷۰ درصد از جوانان سیاه‌پوست بی‌کارند، تنها راه‌حل پیشنهادی دولت «ریگان» این است که «ما به پلیس و زندان‌های بیش‌تری نیاز داریم». و پلیس اغلب جوانان را بدون دلیل دستگیر و حتا بدون هیچ‌گونه دلیلی آنان را می‌کشد که زنان هم از این امر جدا نمی‌شوند.

آنجلا دیویس: شورای ملی مبارزه با نژادپرستی و سرکوب سیاسی، علیه تمام شیطان‌های جامعه‌ی آمریکا مقاومت کرده است و در گذشته در بسیاری از حالت‌ها توفیق‌هایی به‌دست آورده است، همچون آزادی «جرج سردیت»، او در اواخر دهه‌ی شصت، در کنفرانس ملی ما شرکت کرد حالت دیگر آزادی «ول مینگ‌تون» بود.

هر کجا و هر زمان که همبستگی جهانی بطلبد، کمک خواهیم کرد، ولی کارمان را بیش‌تر در داخل آمریکا متمرکز می‌کنیم. دفاع از زندانیان سیاسی سراسر کشور، کار مشترک در مقیاس ملی و در هر زمینه‌ای را به‌عهده می‌گیریم. شورای ما، سندبکاها، حزب‌های شرقی، سازمان‌های جوانان، سازمان زنان و صلح، دموکرات‌ها و نیروهای مذهبی را متحد می‌سازد و به‌هر کس که با مبارزه علیه ستم و نژادپرستی موافق است، خوش آمد می‌گوید. مردم هرچه بیش‌تر درمی‌یابند که این بلا از جانب انحصارهاست و این امر که بیش‌تر زنان را که به‌این مسأله آگاهی می‌یابند، تشویق به‌مبارزه می‌کند، زنان می‌روند تا دشواری‌های خود را، به‌عنوان زن، با دشواری‌های اجتماعی سراسر جامعه پیوند دهند. سازمان زنان برای آزادی اقتصادی و اجتماعی و نژادی، به‌همان اندازه برای سازمان اهمیت دارد که شورای ما برای توده‌ی مردم زیر ستم و نژادپرستی. و امروز هر سه مبارزه‌ی خود را به‌مبارزه‌ی مشترک برای صلح پیوند می‌دهند.

تجربه نشان می‌دهد که بی‌کاری کارگران، ریشه در افزایش سلاح‌های امپریالیستی مانند تولید سلاح‌های «پرشلینگ»، «کروز»، «راکت‌های ام - ایکس» و انواع گوناگون سلاح‌های هسته‌ای دارد. صنعت‌های جنگی، بسیار مکانیزه و خودکارند و نتیجه‌ی آن بی‌کاری است. صنعت تسلیحاتی مردم را بی‌کار می‌کند و مردم هم به‌آن آگاهند. و از این رو مردم خواستار مبارزه‌اند.

ما باید با روشن کردن دوباره‌ی نیازها و غلت‌های بحران اقتصادی، به‌آن‌ها آگاهی بیش‌تری بدهیم. از آن‌جایی که امروز بیش‌تر شهروندان، بدتر شدن وضع زندگی را احساس می‌کنند، واکنشی خودبه‌خودی نشان می‌دهند. این واکنش خودبه‌خودی باید سازمان داده شود، هر چند به‌درازا بکشد.

اکنون، سازمان دهی مردم و از قوه به‌فعل درآوردن تمامی این احساس‌ها و آرزوها، یک نیاز مبرم است. می‌دانیم که سازمان دهی‌کاری است بس دشوار، ولی همه‌ی ما همه‌ی تلاش خود را برای مبارزه با خشونت و ستم می‌کنیم، تا راه را برای صلح باز کنیم.